
تآسیستز



ته‌آ و معمای اژدها



ته‌آ سیستر*

ته‌آ استیلتُن

مترجم: سید مهدی موسوی

سرشناسه: استیلتن، تئا
Stilton, Thea
عنوان و نام پدیدآور: ماکاموشی. تهآ و معمای دراگون/ نویسنده استیلتن تهآ ؛ مترجم سیدمهدی موسوی.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.: مصور (رنگی).
شابک: ۱-۷۴۸-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: IL Codice Del Drago, c2005.
یادداشت: مخاطب: ۹+ نونهال.
موضوع: داستان‌های ایتالیایی
Italian fiction
شخصیت‌های کارتونی -- داستان
Comic strip character -- Fiction
شناسه افزوده: موسوی، سیدمهدی، ۱۳۶۵ -، مترجم
رده‌بندی دیویی: ۸۵۳/۹۱۴دا
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۳۱۶۹۸۳

ماکاموشی

۱۰۰۱

تهآ و معمای دراگون

نویسنده: تهآ استیلتُن
مترجم: سید مهدی موسوی
ویراستار: الهام رضوی
طراح گرافیک: سحر احدی
تایپوگرافی: عاطفه حاتمی
ناظر چاپ: سینا برازوان
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۵
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۱-۷۴۸-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸

هوپا
آدرس: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان روانمهر، بعد از دانشگاه، پلاک ۴۸، طبقه‌ی پنجم
صندوق پستی: ۱۳۱۵۶۵۳۴۹۶
تلفن: ۰۲۱-۹۱۲۰۰۲۰۲

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

info@hoopa.ir
www.hoopa.ir

Text by Tea Stilton
Original cover by Flavio Ferron and Giuseppe Facciotto
Illustrations by Fabio Bono, Federica Salfo, Giada Perissinotto, Giorgio Di Vita, Ida Maria Beretta, Luca Usai, Manuela Razzi, Marco Failla, Marco Gervasio, Marco Meloni, Marco Palazzi, Massimo Asaro, Rafaella Seccia, and Sergio Cabella
Graphics by Merenguita Gingermouse and Superpao, with assistance from Michela Battaglin
© 2005 Mondadori Libri S.p.A. for PIEMME, Italia
© 2026 for this Work in Persian language, Houpaa Books
Original title: Il Codice del Drago (Thea Stilton and the Dragon's Code)
Translation by: Seyyed Mehdi Mousavi
Based on an original idea by Elisabetta Dami
All rights reserved ©
Contacts: info@teasisters.com
Stilton is the name of a famous English cheese. It is a registered trademark of the Stilton Cheesemakers' Association. For more information go to http://www.stiltoncheese.co.uk.
No part of this book may be stored, reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopying, recording, or by any information storage and retrieval system, without written permission from the copyright holder.

نشر هوپا در چارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر و آژانس ادبی آن خریداری کرده است.

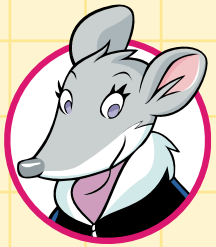
رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده و ناشر خارجی، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.

اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت نویسنده‌ی آن این کار را کرده است.


دانشکده‌ی
تاپفورد
تاپفورد
تاپفورد
تاپفورد

این کتاب
متعلق است به



سلام، من ته‌آ استیلتن هستم!

بله، ته‌آ استیلتن، خواهر جرونیمو استیلتُن! من خبرنگار ویژه‌ی **جریده‌ی جوندگان**، معروف‌ترین روزنامه‌ی جزیره‌ی ماکاموشی هستم. عاشق سفر و ماجراجویی‌ام و از ملاقات با جوندگان سراسر جهان لذت می‌برم!

داخل تاپفورد، دانشکده‌ای که در آن فارغ‌التحصیل شدم و برای تدریس هم دعوت شدم، با پنج دختر واقعاً خاص آشنا شدم: کولت، نیکی، پامه‌لا، پائولینا، و ویولت.

آن‌ها خیلی زود دوستان فوق‌العاده‌ای برای همدیگر شدند، بعد هم آن‌قدر از من خوششان آمد که تصمیم گرفتند گروهشان را با اسم من صدا بزنند: ته‌آ سیسترز (به انگلیسی یعنی خواهران ته‌آ) این برای من خیلی هیجان‌انگیز بود. برای همین، تصمیم گرفتم ماجراهای آن‌ها را تعریف کنم. ماجراهای فوق‌موشانه‌ی...

ته‌آ سیسترز

نیکی

نام: نیکی

لقب: نیک

محل تولد: اقیانوسیه (استرالیا)

آرزوی شخصی: دوست داره به محیط‌زیست کمک و رسیدگی کنه.

علایق: فضاهای باز و طبیعت

ویژگی‌ها: همیشه خوش‌اخلاقه، فقط کافیه توی فضای باز قرار بگیره.

نقطه‌ضعف: هرگز نمی‌تونه بی‌کار بمونه!

راز: از مشکل «ترس از فضاهای بسته» رنج می‌بره، نمی‌تونه فضاهای بسته رو تحمل کنه.





کولت

نام: کولت

لقب: کوکو

محل تولد: اروپا (فرانسه)

آرزوی شخصی: خیلی به تیپ و ظاهرش اهمیت می‌ده. آرزوش اینه که خبرنگار دنیای مد بشه.

علایق: رنگ صورتی

ویژگی‌ها: خیلی پرانرژیه و همیشه ایده‌های جذاب داره.

نقطه‌ضعف: همیشه تأخیر داره.

راز: برای این‌که به آرامش برسه کافیه که موهاش رو بشوره و اون‌ها رو فر کنه و هیچ‌چیزی مثل مانیکور و پدیکور بهش آرامش نمی‌ده!





ویولت


ویولت

نام: ویولت

لقب: وی‌وی

محل تولد: آسیا (چین)

آرزوی شخصی: دلش می‌خواد یه ویولن‌زن درجه‌یک بشه.

علایق: کتاب. اون یه روشن‌فکر واقعیه!

ویژگی‌ها: خیلی به جزئیات توجه داره و همیشه دوست داره با چیزهای جدید آشنا بشه.

نقطه‌ضعف: یه‌کم زودرنجه و دوست نداره کسی دستش بندازه. اگه به‌اندازه‌ی کافی نخوابه، بداخلاق و غرغرو می‌شه و نمی‌تونه تمرکز کنه.

راز: با گوش‌دادن به موسیقی کلاسیک و نوشیدن چای سبز با رایحه‌ی میوه آروم می‌شه.



پائولینا

نام: پائولینا

لقب: پیلّا

محل تولد: آمریکای جنوبی (پرو)

آرزوی شخصی: دوست داره دانشمند بشه.

علایق: سفرکردن و آشناشدن با افراد مختلف از سراسر دنیا. به خواهرش ماریا هم خیلی وابسته‌ست.

ویژگی‌ها: عاشق کمک‌کردن به بقیه‌ی جوندگانه.

نقطه‌ضعف: کمی خجالتیه و گاهی هم شلخته!

راز: اون یه نابغه‌ی کامپیوتره. اغلب موفق می‌شه مسائل پیچیده رو با اطلاعات زیادی که از اینترنت به دست می‌آره حل کنه.


پائولینا



پامه‌لا

نام: پامه‌لا

لقب: پَم

محل تولد: آفریقا (تانزانیا)

آرزوی شخصی: دوست داره خبرنگار ورزشی بشه و یا مکانیک.

علایق: پیتزا، پیتزا و باز هم پیتزا! حتی اگه بشه صبحانه هم پیتزا می‌خوره!

ویژگی‌ها: اگرچه یه‌خرده عجوله ولی همیشه برقرارکننده‌ی صلح و آشتیه و اصلاً رابطه‌ی خوبی با دعوا و بحث نداره.

نقطه‌ضعف: خیلی عجول و شتاب‌زده‌ست.

راز: یه پیچ‌گوشتی و آچار فرانسه بهش بدید، هر مشکل مکانیکی‌ای باشه حل می‌شه!





پامه‌لا

تو هم می‌خوای در ماجراجویی خفن ما شرکت کنی؟

اسم خودت را این‌جا بنویس.

نام : .....

لقب: .....

محل تولد: .....

آرزوی شخصی: .....

.....

.....

علایق: .....

ویژگی‌ها: .....

نقطه‌ضعف: .....

راز: .....

عکست رو این‌جا بچسبون!

تئا استیلتن*

معمای دراگون





یک دعوت‌نامه‌ی مرموز

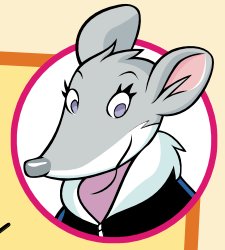
همه‌چیز در یکی از شب‌های ماه سپتامبر شروع شد. تازه آخرین مقاله‌ام را به جریده‌ی جوندگان، روزنامه‌ای که برادرم **جرونیمو استیلتُن** مدیرش است، تحویل داده بودم. تحقیق ساده‌ای درباره‌ی **پنیرهای قاچاقی** بود. خیلی از نتیجه‌اش راضی بودم، عکس‌ها هم **خیلی خوب** شده بودند. به‌سمت خانه به راه افتادم و توی ذهنم برای **غرق شدن** توی وان معطر به **بوی خوش بنفشه** لحظه‌شماری می‌کردم.

با بیشترین سرعتی که در پنجه داشتم، مثل برق‌وباد راه افتادم.

همین‌که در آپارتمان را باز کردم، متوجه یک موش با لباس پستچی شدم که به‌طرز مشکوکی به من نگاه می‌کرد.



ته‌آاستیلتن



سلام دوستان!

شما هم می‌خواهید به ته‌آ سیسترز کمک کنید تا راز معمای دراگون را حل کنند؟ کار سختی نیست، فقط کافی است تمام دستورالعمل‌ها را دنبال کنید.

هر وقت این علامت ذره‌بین را دیدید، دقت کنید: این یعنی یک سرنخ مهم توی آن صفحه وجود دارد. هر چند وقت یک بار، وضعیت را بررسی خواهیم کرد تا چیزی را فراموش نکنیم.



خب، حالا آماده‌اید؟

معما در انتظار شماست!

با صدای **فوق‌العاده** تیزی پرسید: «ته‌آ استیلتن؟»



من هم با کنجکاوی جواب دادم: «**بله**، خودم هستم.»

موش غریبه پرسید: «ته‌آ استیلتنِ معروف؟ خواهر **جرونیمو استیلتُنِ** خیلی معروف؟»

دوباره جواب **مثبت** دادم و با کلافگی گفتم: «**بله!**»

پرسید: «ته‌آ استیلتن، خواهر معروف **جرونیمو استیلتُنِ** خیلی معروف، ناشر و سردبیر **روزنامه‌ی جریده‌ی جوندگان**، معروف‌ترین روزنامه‌ی ماکاموشی؟»

داد زدم:

«بله، بلههههههههههههههه!»

یک قدم پرید عقب و جیر زد: «اِ...! این دیگه چه وضعشه؟ فقط می‌خواستم مطمئن بشم! آخه می‌دونید، یک نامه‌ی مهم براتون دارم! این‌جا رو نگاه کنید، پاکت آبی، کاغذ پوستی با مهروموم قرمز... این یه نامه‌ی خفنه، الکی نیستش که! **فوق محرمانه‌ست!** مثل تبلیغات معمولی تخفیف فروشگاه‌ها نیستش که!»

بله، حق با او بود. واقعاً به نظر می‌رسید نامه‌ی مهمی باشد. ولی از طرف چه کسی می‌توانست باشد؟

چه کسی؟ **چه کسی؟؟** **چه کسی؟؟؟**

دل‌تودلم نبود، ولی خب پستچی بی‌خیال نمی‌شد و همچنان پشت سرهم حرف می‌زد:

«می‌دونید من چند وقته این‌جا **منتظرتون** هستم؟ بله، می‌تونستم پاکت رو توی **صندوق پستی** هم بندازم، ولی خب بعدش اگر می‌دزدیدنش چی؟ مسئولیتش با کی بود؟ نه، راستش رو بگید، کی مقصر می‌شد؟ هان؟»



دیگر گوش‌هایم داشت از **عصبانیت** داغ می‌شد! نامه را از پنجه‌اش قاپیدم و وارد خانه شدم. قبل از این‌که در را ببندم،

تشکر کردم: «ممنون! خیلی محبت کردید که منتظرم موندید!»

درحالی‌که از پله‌ها بالا می‌رفتم، شنیدم که با خودش حرف می‌زند.





یک دراگون با «ت» بین پنجه‌هایش

داخل هال متوجه شدم که روی مهروموم پلمب نامه یک «ت» بین پنجه‌های دراگون حک شده است. آن تصویر را می‌شناختم، علامت **تاپفورد** بود...

دانشکده‌ی سختگیر تاپفورد،

دانشکده‌ی باستانی تاپفورد،

دانشکده‌ی بسیار معتبر **تاپفورد**،

دانشکده‌ای که پذیرفته‌شدن در آن پاداش هوش و ذکاوت، و تدریس در آن افتخار است.

یعنی چه چیزی از من می‌خواستند؟؟؟

دمم از هیجان آرام و قرار نداشت. مهروموم را شکستم و پاکت نامه را باز کردم و...

واو
واوو
واو واوو واووووو

یا پنیر مقدس! باورم نمی‌شد! من، من ته‌آ استیلتن، خبرنگار ویژه‌ی جریده‌ی جوندگان، یک دعوت‌نامه‌ی رسمی برای تدریس یک دوره‌ی **خبرنگاری ماجراجویانه** به **دانشجویان** منتخب و گلچین‌شده توی دانشکده‌ی تاپفورد دریافت کرده بودم.

می‌دانستی؟

قدیمی‌ترین مهروموم‌ها برای پلمب‌کردن نامه‌های پوستی لوله‌شده، با کمی خاک رس ساخته می‌شد و روی آن نشان شخصی که متن نامه را نوشته بود، حک می‌شد. امروزه هم از مهروموم استفاده می‌شود؛ برای مثال، وقتی درِ شیشه‌ی مربا با یک نوار کاغذ به شیشه وصل می‌شود، مهروموم می‌شود. اگر نوار کاغذ سالم باشد، می‌توان مطمئن بود که شیشه هرگز باز نشده است.

واقعاً خوش‌حال، هیجان‌زده و مفتخر بودم! تاپفورد دانشکده‌ی محل تحصیلم بود و حالا از من **خواسته شده** بود به‌عنوان مدرس به آن‌جا برگردم! احساس می‌کردم که این شروع یک **ماجراجویی بزرگ** است.

